

فصلنامه مطالعات حقوق

Journal of Legal Studies

شماره نوزدهم. بهار ۱۳۹۷، صص ۵۴-۳۵ Vol 2. No 19. 2018, p 35-54

ISSN: (2538-6395)

شماره شاپا (۶۳۹۵-۲۵۳۸)

عدالت در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه

هادی طیاری

کارشناسی ارشد حقوق عمومی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس. هرمزگان. ایران

najmehahmadi185@yahoo.com

چکیده

عدالت یکی از مفاهیمی است که امروزه از زبان های مختلف شنیده می شود و هر حزب، گروه یا فردی برای این واژه، معنای خاصی در نظر گرفته است. یکی از مباحث مهم جوامع، سیاست خارجی و ارتباط یک کشور به ویژه جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورهای جهان اعم از کشورهای مسلمان، کشورهای همسایه و غیر همسایه و کشورهای کفر است که این روابط، چگونه و بر چه اساسی باید باشد و اقتضای عدالت در این روابط که می تواند عدالت اقتصادی، عدالت فرهنگی و عدالت نظامی و سیاسی باشد چیست. مهم ترین نظریه در این زمینه ابتدا نظر اسلام و پس از آن دیدگاه رهبر کبیر انقلاب امام خمینی رحمه الله علیه است که بنیان گذار نظام افتخار آفرین و ضد استکباری جمهوری اسلامی ایران است که در این تحقیق در حد توان به مسئله پرداخته شده است و پس از شفاف سازی معنای واقعی عدالت، سیاست خارجی و عدالت در سیاست خارجی، مسئله عدالت در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه بررسی کرده است.

واژه های کلیدی: عدالت، سیاست خارجی، عدالت در سیاست خارجی، امام خمینی.

مقدمه

سیاست خارجی یکی از مهم ترین جنبه های حیات سیاسی کشورها در نظام بین الملل به شمار می رود و حیات یک کشور و حتی در بعضی موارد تمامیت ارضی و امور مهم دیگری چون امنیت، اشتغال، رفاه و حتی فرهنگ عمومی جوامع نیز به آن بستگی دارد و به همین خاطر است که اسلام و به پیروی از آن امام خمینی رحمه الله علیه رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران که بنیان گذار این نظام اسلامی است اصول و قواعدی را در این زمینه مشخص کرده اند. یکی از این اصول، عدالت است که همان طور که دین اسلام در درون جامعه اسلامی وجود آن را یکی از ضروریات می داند و در حقیقت تحقق آن یکی از اهداف اصلی حاکمیت اسلامی است؛ در سیاست خارجی و رابطه با کشورهای دیگر نیز این امر یکی از ضروریات به شمار می آید. حال این تحقیق به روش توصیفی و تحلیلی به این امر می پردازد که اولاً منظور از عدالت در سیاست خارجی چیست و دوم اینکه عدالت در سیاست خارجی از دیدگاه بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران چیست.

۱- تعریف و تبیین موضوع

جوامع و حکومت ها پس از شکل گیری همواره با تهدیدات و از طرف دیگر فرصت هایی از سوی کشورهای دیگر رو به رو می شوند و مدیریت امر در این خصوص بسیار ضروری است. یکی از اصول مدیریت، عدالت در سیاست خارجی و روابط بین المللی است که امروزه جوامع اسلامی و به خصوص دولت مردان آنها به دلیل بی توجهی به آن، مشکلات و بحران های زیادی را برای جامعه و امت خود به وجود آورده اند. این امر از همان صدر اسلام بلکه از آغاز تشکیل نخستین حکومت ها در تاریخ، مسئله ای مهم و مورد توجه بوده است و در آغاز تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله علیه نیز این مسئله، به عنوان یکی از مسائل و اهداف اصلی نظام مطرح شد و این تحقیق در حقیقت به دنبال بررسی این موضوع از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه است.

۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

عدالت در برخورد با دیگران از جمله مفاهیمی است که فطرت هر انسانی به دنبال آن است، از طرفی ارتباط با کشورهای جهان در عصر ارتباطات اهمیت دارد، امام خمینی رهبر کبیر انقلاب معتقد است در ارتباطات انسانی چه داخلی و چه خارجی باید اصل عدالت را رعایت کرد. علاقه قلبی به شخصیت امام راحل و حفظ آرمان های ایشان که خطر تحریف اندیشه های ایشان وجود دارد سبب شد تا به موضوع عدالت در سیاست خارجی پرداخته شود.

۳- اهداف و فواید تحقیق

اهداف کلی: بیان اندیشه امام خمینی در خصوص عدالت در سیاست خارجی

اهداف جزئی:

- ۱- بیان عدالت اقتصادی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه)
 - ۲- بیان عدالت فرهنگی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه)
 - ۳- بیان عدالت سیاسی و نظامی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه)
- فواید: مورد استفاده علاقه مندان به امور سیاست خارجه

۴- پیشنهادی موضوع تحقیق

موضوع عدالت ریشه قرآنی و روایی دارد و خداوند در قرآن کریم به این مسئله اشاره کرده است و در سیره معصومین (علیهم السلام) نیز رعایت عدالت بوده است. امام خمینی (رحمة الله علیه) نیز بنیان گذار حکومت اسلامی ایران، شعار خود را رعایت عدالت قرار داد. برای پرداختن به موضوع تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. مهم ترین منبع استفاده از نرم افزار امام خمینی (رحمة الله علیه) که مجموعه آثار ایشان را دربر دارد و نرم افزار شهید مطهری، نرم افزار جامع التفاسیر و نرم افزار جامع الاحادیث بوده است. کتاب ویا مقاله مستقلى که به موضوع عدالت در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی پردازد، وجود نداشت و در این تحقیق سعی شده است نظرات امام (رحمة الله علیه) در خصوص عدالت در سیاست خارجی در کنار یکدیگر قرار گیرد.

۵- سوالهای تحقیق

سوال اصلی: رعایت عدالت در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه) چگونه است؟

سوال فرعی:

- ۱- رعایت عدالت اقتصادی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه) چگونه است؟
- ۲- رعایت عدالت فرهنگی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه) چگونه است؟
- ۳- رعایت عدالت سیاسی نظامی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه) چگونه است؟

۶- پیش فرضهای تحقیق

رعایت عدالت از ضروریات دین مبین اسلام است.

۷- فرضیه تحقیق

امام خمینی (رحمة الله علیه) معتقد است باید در حیطه فرهنگی و اقتصادی و سیاسی نظامی در سیاست خارجی، عدالت رعایت شود.

۸- روش تحقیق

کتابخانه ای، توصیفی، تحلیلی

۹- مفاهیم و متغیرها

مفاهیم: سیاست خارجی و عدالت

متغیرها:

وابسته: سیاست خارجی

مستقل: عدالت

۱۰- ساختار تحقیق

بخش اول کلیات تحقیق است که خود شامل: ۱- تعریف و تبیین موضوع، ضرورت و اهمیت تحقیق، اهداف و فواید تحقیق، پیشینه موضوع، سوال های تحقیق، پیش فرض های تحقیق، فرضیه تحقیق، روش تحقیق، مفاهیم و متغیرها، ساختار تحقیق و محدودیت ها، مشکلات و موانع تحقیق.

بخش دوم مفهوم شناسی است. بخش دوم شامل فصل اول: مفهوم شناسی عدالت، فصل دوم: مفهوم شناسی سیاست خارجی، فصل سوم: مفهوم شناسی عدالت در سیاست خارجی.

بخش سوم عدالت در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه) است که خود شامل سه فصل است فصل اول عدالت اقتصادی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی که عبارت اند از: ۱- جلوگیری از سلطه اقتصادی و تحریم روابط سیاسی و تجاری با متخاصمین، ۲- خودکفایی اقتصادی، ۳- کمک به کشورهای ستمدیده (فلسطین)، ۴- روابط صلح آمیز متقابل با دولت های غیر محارب.

فصل دوم عدالت فرهنگی در سیاست فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه) که عبارت اند از: مفهوم شناسی عدالت (فرهنگ شیعه؛ ص ۳۳۳).

عدالت اجتماعی

از اصطلاحات علوم اجتماعی و سیاسی است و همواره آرزوی انسان بوده است و به معنای رعایت تناسب، استحقاق ها و شایستگی ها در ساحت اجتماع است. در این تعریف، هر گروه و صنف و طبقه ای باید در جایگاه شایسته خویش جای گیرد و در پی جایگاه دیگران بر نیاید. عدالت اجتماعی مبتنی بر احوال و افعال اعضای جامعه است و مرتبت هر کس بنابر استحقاق و استعداد او تعیین می شود.

عدالت و اسلام:

نگاه دین مبین اسلام به عدالت با مکاتب بشری متفاوت است.

اهمیت عدالت در اسلام از آنجا سرچشمه می‌گیرد که بنابر آموزه‌های اسلامی، خداوند، عادل است و همه افعال الهی عین دادگری و عدالت‌اند و ستم و افراط و تفریط بدان‌ها راه ندارد. عدل در تشیع اهمیتی ویژه دارد؛ چونان که از اصول دین و مذهب به شمار می‌آید. قرآن کریم، برای بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی از دو هدف یاد می‌کند: برقرار ساختن عدالت میان انسان‌ها و تأمین سعادت دنیوی و اخروی آنان و دیگر هدایت انسانها از تاریکی‌های شرک و کفر به سوی نور توحید و بندگی خدا (حدید/ ۲۵؛ ابراهیم/ ۱). انسان موظف است بر پایه تعالیم دینی، فعالیت‌های فردی و اجتماعی خویش را با عدالت همراه سازد و از این گذر به سعادت دست یابد.

عدالت اجتماعی در سیره بزرگان معصوم (ع):

چون پیامبر اسلام (ص) به مدینه هجرت کرد و حکومت دینی خویش را بنیان نهاد، عدالت اجتماعی از پایه‌های آن بود. در نظام‌نامه‌ای که پیامبر (ص) پدید آورد و به مثابه قانون اساسی مدینه النبی بود، آشکارا می‌توان سلطه قسط و عدل را بر همه اصول و قوانین بازدید (فرهنگ شیعه، ص: ۳۳۴). در این نظام‌نامه، هر کس و هر گروه و جماعتی بر سر جای خویش بود و روابط مسلمانان با دیگر طوایف نیز در آن به گونه‌ای عدالت‌محورانه تشریح گشته بود. امام علی (ع) نخستین امام معصوم (ع) نیز حکومت خویش را با عدالت‌گستری آغاز کرد و از ویژگی‌های مشهور او سخت‌گیری‌اش در دادگری و قسط و عدل بود. عهدنامه مالک اشتر امام علی (ع) که با تفصیل تمام، چگونگی رفتار عادلانه حاکم اسلامی را با صنف‌های گوناگون جامعه بیان می‌کند، گواهی روشن بر این حقیقت است. بنابر معتقدات شیعی، عدالت راستین و جهانگیر آن گاه حاصل می‌آید که دوازدهمین امام معصوم (ع) ظهور کند و حکومت جهانی خویش را بنیان نهد. در روایتی از پیامبر اسلام (ص) آمده است: «دنیا به پایان نمی‌رسد مگر مردی از اهل بیت من ظهور کند... او زمین را از قسط و عدل سرشار می‌کند؛ همان سان که پیش از او از ستم پر می‌شود».

عدل الهی

کلمه «عدل» را دو معنای متضاد است:

یکی تناسب و موزونیت، برابری، ادای حق دیگران، ارج نهادن و توجه به قابلیت‌ها و استحقاق‌ها، پاکسازی و تزکیه. دوم، کژی و ناراستی (معجم مقاییس اللغة، ۴/ ۲۴۶؛ پیام قرآن، ۴/ ۴۰۱). عدل الهی از نظر حکیمان مسلمان آن است که خداوند در افاضه وجود و کمال به موجودات، قابلیت و لیاقت آنها را نادیده نینگاشته است. تناسب و موزونیت از ویژگی‌های نظام آفرینش است. در این نظام، توازن و تناسب پدیده‌ها در نظر آمده است. عدل به معنای برابری نیست. میان پدیده‌های جهان بر اساس حکمت الهی تفاوت‌هایی وجود دارد که از برابری حکایت نمی‌کنند؛ اما عادلانه‌اند.

جایگاه عدل در عقاید شیعه:

عدل همانند علم، قدرت، حکمت و... از صفات الهی است؛ ولی در تشیع از اصول مذهب به شمار می‌آید و مباحث مفصلی از علم کلام را به خود اختصاص داده است. برخی صاحب‌نظران معتقدند از آن رو عدل چنین جایگاهی در اصول عقاید شیعه یافته است که فرقه‌های اسلامی بنا به دلایلی حساسیتی ویژه بدان داشته و درباره آن به اختلافات فراوانی افتاده‌اند (ر. ک. پیام قرآن، ۴/ ۴۱۸ و ۴۹۹). اما برخی دیگر بر آن‌اند که ریشه اهمیت عدل را در آموزه‌های قرآن باید یافت. قرآن کریم، با صراحت، نظام هستی را بر عدل و درستی و توازن و استحقاق‌ها و قابلیت‌های آفریدگان استوار می‌داند (آل عمران/ ۱۸؛ رحمن/ ۷). آیات قرآنی، توحید و معاد و نبوت و نیز آرمان‌های فردی و اجتماعی را عدالت‌محور می‌شمارند. این رویکرد قرآن، نگاه انسان به هستی را صورتی ویژه می‌بخشد و گونه‌ای خاص از جهان‌بینی می‌آفریند و معیارهایی عادلانه برای حرکت فرد و جامعه انسانی پی می‌ریزد. بدین سان، علت بنیادی اهمیت عدل در تعالیم و عقاید شیعی، بی‌گمان آموزه‌های قرآنی است هر چند چالش‌های نظری مسلمانان در این موضوع را نیز نباید بی‌تأثیر شمرد (مجموعه آثار، ۱/ ۶۵-۵۹؛ فرهنگ شیعه؛ ص ۱۶۱).
بنابر نص صریح قرآن کریم، برپایی عدالت از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران (ع) است (حدید/ ۲۵) (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶ ه. ش).

مفهوم شناسی سیاست خارجی

سیاست اصلاح و تدبیر (اداره امور) کشور در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی مفاد سیاست در معنای لغوی، تدبیر، اصلاح و تربیت است؛ از این رو، در معانی امر و نهی کردن مردم، ریاست کردن، حکم راندن، مصلحت اندیشیدن، کیفر دادن، تربیت و ادب کردن، تمرین دادن حیوانات، به اصلاح چیزی همت گماردن و نگاهداری و حراست، به کار رفته است.
مفهوم سیاست از دیدگاه صاحب‌نظران علم سیاست چندان روشن نیست و همه تعریفهایی که از این واژه شده، است و هر کدام ناظر به یک یا چند بُعد آن است (فرهنگ فقّه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام؛ ج ۴؛ ص ۵۶۷).

عدالت اقتصادی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه

۱- جلوگیری از سلطه اقتصادی و تحریم روابط سیاسی و تجاری با متخاصمین

برای جلوگیری از سلطه اقتصادی راههای مختلفی وجود دارد. یکی از آن‌ها این است که با کشورهای متخاصم رابطه تجاری برقرار نشود. تحریم روابط تجاری و سیاسی با اسرائیل می‌تواند در جلوگیری از سلطه اقتصادی کارگشا باشد.

امام راحل در این زمینه فرموده اند: «کمک به اسرائیل چه فروش اسلحه و مواد منفجره و چه فروش نفت حرام و مخالفت با اسلام است، رابطه با اسرائیل و عمال آن چه رابطه تجاری و چه رابطه سیاسی حرام و مخالفت با اسلام است، باید مسلمین از استعمال کالاهای اسرائیل خودداری کنند» (روح الله، موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۳۹).

در تاکید این مطلب چنین آمده است: هند سراج گوید: من به امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم- خداوند به شما خیر دهد- من مردی هستم که کارم فروش اسلحه است، که با خود به شام می‌برم و به اهل آن دیار می‌فروشم، و از آن وقت که خداوند مرا به حق آگاه ساخت (شیعه شدم) از این کار ناراحت و دل نگرانم، گفتم: دیگر برای دشمنان خدا اسلحه نبرم. امام علیه السلام فرمود: نه، ببر و نه به آنها بفروش، زیرا خداوند به وجود آنان دشمنان ما و آنها را دفع می‌کند (مراد از دشمنان ما و آنها، رومیان می‌باشند) فرمود: آری، اگر میان ما و آنها درگیری پدید آید آن وقت هر کس به هر طریق به آنها اسلحه برساند که علیه ما به کار برند جزء مشرکان خواهد بود (ترجمه من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه، ۱۳۶۷ ش).

بنابراین اصل بسیار مهمی که سبب نفی حکمرانی سلطه گران می شود محدود و یا تحریم کردن روابط تجاری است به خصوص در زمینه فروش ابزار و ادوات نظامی و جنگی است. این اصل به قدری مهم است که پیامبر صلی الله علیه و آله روابط تجاری را برابر با بی اعتقادی به خداوند شمرده اند: النَّبِيُّ «ص»- فیما رواه الإمام الصادق: یا علی! کفر بالله العظیم من هذه الأمة عشرة... و بائع السلاح من أهل الحرب؛ (الحیاء / ترجمه احمد آرام، ۱۳۸۰ ش) پیامبر «ص»- به روایت امام صادق «ع»: ای علی! ده دسته از این امت به خدای بزرگ اعتقاد ندارند... (از جمله) فروشنده اسلحه به دشمنان جنگی اسلام.

۲- خودکفایی اقتصادی

به نظر رهبر کبیر انقلاب یکی از آثار خودکفایی اقتصادی، جلوگیری از سلطه دشمن بر جامعه است. ایشان می فرمایند: «وضع مملکت ما در این مدت، و خصوصاً در این پنجاه سال اخیر، یک همچو وضعی شده بود. و ما باید از این خارج کنیم خودمان را. ما اگر بخواهیم که یک مملکت مستقل باشیم، باید همه چیز، در همه چیزمان، جدیت کنیم که خودکفا باشیم. مریض ما دیگر خارج نرود. چیزهایی که ما خودمان می‌توانیم درست کنیم، خودمان درست کنیم، و هر چیز را می‌توانید درصدد [باشید] وقتی «انسان» باشد، می‌تواند درست کند؛ می‌تواند همچو کاری را بکند. لکن وضع را این طوری به بار آورده بودند که ما باورمان آمده بود که چیزی نداریم؛ ما چیزی نمی‌دانیم؛ باید ما از خارج بگیریم؛ باید همه چیز از خارج بگیریم. و اگر واقعاً این طور است، که یک مصیبتی است. و اگر این طور نیست، و ما را این طور تربیت کردند که باورمان بیاید، این هم یک مصیبت دیگری است».

چنان چه ابو الصباح کنانی گوید: امام صادق علیه السلام بمن فرمود: ای ابا الصباح خرید آرد خواربست، و خرید گندم عزت، و خرید نان تنگدستی و نیاز، و بخدا پناه برید از نیازمندی به مردم. در شرح این روایت

چنین آمده است: «یعنی کسانی که احتیاج خود را خود رفع می کنند و خود کفا هستند عزیزند و آنان که دیگران باید احتیاجات ضروری و اولیه آنها را رفع کنند همیشه خوار و ذلیل خواهند بود» (ترجمه من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه، ۱۳۶۷ ش).

ما باید خود کفا بشویم، ما باید کشاورزیمان را همچو درست بکنیم، همه دست به هم بدهند، کشاورزها، دولت، اشخاص دیگر که این کشاورزی به حدی برسد که ما بتوانیم صادر بکنیم. مملکت ما صادرکننده بوده است؛ و حالا ما گرفتار این معنا شدیم. مملکت ما یک آذربایجان چنانچه درست کشاورزی بشود، یک خراسانش اگر درست کشاورزی بشود، برایمان کافی است؛ ما بقیش را باید صادر بکنیم. مع الأسف با اسم «اصلاحات ارضی» ما را به این روز نشانند که می بینید، و چیزهای دیگر ما هم همین طور. همه چیزمان باید مستقل بشود، استقلال با وابستگی جمع نمی شود. و ما فرهنگمان وابسته بشود استقلال نداریم. اقتصادمان وابسته بشود استقلال نداریم. اول باید آن مطلب (صحیفه امام ج ۱۰، ص ۴۳۸).

۳- کمک به کشورهای ستمدیده (فلسطین)

یکی دیگر از اصولی که پابندی به آن مهم و ضروری است و عدالت را به ارمغان دارد، کمک های مادی و معنوی به کشورهای ستمدیده و مظلوم است. امام رحمه الله علیه می فرمایند: «اکنون بر عموم مسلمین و دوک کشورهای اسلامی، و خصوصاً بر دوک عربی، لازم است برای حفظ استقلال خود، از این گروه مجاهد نگهداری کنند و به آنان کمک نمایند، و از رساندن اسلحه و آذوقه به آنان دریغ نورزند؛ و بر فداییان مجاهد لازم است با توکل به خدای متعال و تمسک به قرآن کریم، از کوشش در این راه مقدس دریغ نمایند و سردیهای بعضی عناصر موجب سردی آنها نشود، و نیز اکیداً لازم است در هر نقطه ای هستند با اهالی آنجا خوش رفتاری کنند و به وظایف اخوت ایمانی عمل نمایند» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۹۴).

«ملت اسلام به حکم وظیفه انسانی و اخوت و طبق موازین عقلی و اسلامی موظفند که در راه ریشه کن کردن این گماشته استعمار از هیچ فداکاری دریغ نورزند، و با کمکهای مادی و معنوی و نیز با ارسال خون، دارو، اسلحه و آذوقه، برادران خود را که در جبهه جنگ هستند یاری کنند. بر خصوص ملت شریف و مسلمان ایران است که در قبال تجاوز وحشیانه اسرائیل و مصیبتی که اکنون گریبان گیر برادران عرب و مسلمان آنان می باشد بی تفاوت ننشینند، و از هر راه ممکن برادران مسلمان خود را در آزادی سرزمین فلسطین و نابودی صهیونیسم کمک نمایند؛ و دولت ایران را وادار سازند که این سکوت را شکسته در صف دولت های ممالک اسلامی به پیکار علیه اسرائیل برخیزد. بر همه آزادیخواهان جهان است که با ملت اسلام هم صدا شده تجاوزات غیر انسانی اسرائیل را محکوم نمایند» (بیانات امام خمینی رحمه الله علیه، ۱۳۵۲/۸/۱۶).

امام سجاد علیه السلام این اصل مهم را ضمن دعا از خداوند خواستارند: «بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و ما را در این روز و این شب و هر روز به انجام دادن کارهای نیک و دوری از کارهای ناپسند توفیق ده و به شکر نعمتها و پیروی از سنتها و دوری از بدعتها و امر به معروف و نهی از منکر و پاسداشت اسلام و نکوهش باطل و خوار داشت آن، و نصرت حق و عزیز داشتن آن و راهنمایی گمگشتگان و یاری نا توانان و فریادرسی ستمدیدگان، توفیق ده.» (علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام، الصحيفة السجادية، ۱۳۷۵ ش).

۴- روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب

امام رحمه الله علیه در بیان اصول سیاسی بر روابط صلح آمیز با کشورهای غیر محارب تاکید دارند: «اما روابط ما با جامعه غرب؛ یک روابط عادلانه است که نه زیر فشار ظلم آنها خواهیم رفت و نه ظلمی بر آنها روا خواهیم داشت. ما با آنها به طور احترام متقابل رفتار خواهیم کرد، و با آنها اگر آنها هم احترام متقابل را حفظ کنند و نخواهند بر ما تحمیل کنند و تجدید نظر در این کارهایی که تا کنون بر ما - بلکه با شرق - کرده اند بکنند، ما با آنها به طور خوب و روابط حسنه رفتار می کنیم و معاملات با آنها هم خواهیم کرد؛ به هر نحوی که صلاح خودمان باشد، نه هر نحوی که تحمیل باشد یا فقط صلاح آنها در نظر گرفته شده باشد، ما روابط حسنه با آنها داریم. و اما با کمونیستها؛ چون سوء قصد آنها را نسبت به مملکت خودمان تا کنون احرار کردیم، نمی توانیم یک روابطی داشته باشیم مگر که آنها هم دست از آن کارهایی که دارند بردارند، و کمونیستی که در ایران هست به دامن خود ملت و اسلام برگردد که ما با آنها هم به طور عادلانه خواهیم رفتار کرد؛ و اما اگر بخواهند باز مثل سابق یا ایام «توده» و اینها خیانت به مملکت بکنند با آنها طور دیگر رفتار خواهیم کرد.» (صحیفه امام، ج ۳، مصاحبه با خبرنگاران درباره آینده حکومت اسلامی، ص ۵۱۴).

با اینکه بارها در قرآن به شدت عمل در برابر منافقانی که با دشمنان اسلام همکاری نزدیک داشتند اشاره شده است ولی دو دسته از این قانون مستثنی هستند:

۱- آنها که با یکی از هم پیمانان شما ارتباط دارند و پیمان بسته اند؛ (إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ)

۲- کسانی که از نظر موقعیت خاص خود در شرائطی قرار دارند که نه قدرت مبارزه با شما را در خود می بینند، و نه توانایی همکاری با شما و مبارزه با قبیله خود دارند. (أَوْ جَاؤُكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ).

۱. حزب توده در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یکی از عوامل عمده سقوط حکومت آقای محمد مصدق به حساب می آید.

روشن است که دسته اول به خاطر احترام به پیمان باید از این قانون مستثنی باشند و دسته دوم نیز اگر چه معذور نیستند و باید پس از تشخیص حق به حق بیوندند ولی چون اعلان بی طرفی کرده اند تعرض نسبت به آنها بر خلاف اصول عدالت و جوانمردی است.

سپس برای اینکه مسلمانان در برابر این پیروزیهای چشمگیر مغرور نشوند و آن را مرهون قدرت نظامی و ابتکار خود ندانند و نیز برای اینکه احساسات انسانی آنها در برابر این دسته از بی طرفان تحریک شود می فرماید: "اگر خداوند بخواهد می تواند آن (جمعیت ضعیفان) را بر شما مسلط گرداند تا با شما پیکار کنند". (وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ) بنا بر این همواره در پیروزیها به یاد خدا باشید و هیچگاه به نیروی خود مغرور نشوید و نیز گذشت از ضعیفان را برای خود خسارتی نشمرید.

در پایان آیه بار دیگر نسبت به دسته اخیر تاکید کرده و با توضیح بیشتری چنین می فرماید: "اگر آنها از پیکار با شما کناره گیری کنند و پیشنهاد صلح نمایند خداوند به شما اجازه تعرض نسبت به آنها را نمی دهد و موظفید دستی را که به منظور صلح به سوی شما دراز شده بفشارید". (فَإِنْ اعْتَرَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا).

نکته قابل توجه اینکه قرآن در این آیه و چندین آیه دیگر پیشنهاد صلح را با تعبیر القاء سلام (افکندن صلح) ذکر کرده است که ممکن است اشاره به این مطلب باشد که طرفین نزاع، پیش از آنکه صلح کنند، معمولاً از هم فاصله می گیرند و حتی پیشنهاد صلح را با احتیاط طرح می کنند، گویی دور از هم ایستاده اند و این پیشنهاد را بسوی هم پرتاب می نمایند (تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۵۶).
و در آیات دیگر نیز بر این مساله تاکید می کند: «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه؛ ای کسانی که ایمان آورده اید همگی به صلح در آید» (سوره بقره (۲)، آیه ی ۲۰۸).

فصل دوم: عدالت فرهنگی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه

۱- جلوگیری از نفوذ اجانب

یکی از اصول حاکم بر سیاست های خارجی از منظر امام راحل جلوگیری کردن از نفوذ اجانب به مملکت مان است و در این باره ایشان متذکر شده اند که: «این غرب یا شرق که سلطه پیدا کرده است بر همه ممالک اسلامی، مهمش این سلطه فرهنگی بوده است. در آن مراکز تربیت می شدند بچه های ما به تربیت هایی که وقتی که از دانشگاهها بیرون می آمدند طرفدار غرب یا طرفدار شرق بودند» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۳).

بنابراین برای جلوگیری از تسلط اجانب بایستی قواعد و اصول دین برقرار و نشانه های عدل و درستکاری بر پا و سنتها (احکام پیغمبر اکرم) در مواضع خود جاری گردد در نتیجه روزگار اصلاح می شود به پایداری دولت و سلطنت امید می رود، و طمعیهای دشمنان از بین می رود.

۲- لزوم آگاه نمودن مستضعفان جهان از گرفتاریها

یکی از حمایت‌هایی که دیگر کشورها می‌توانند داشته باشند لزوم آگاهی و بصیرت‌افزایی از مصایب و مشکلات مردم است. امام رحمه الله علیه فرموده اند: «امروز تکلیف همه شما آقایانی که از خارج تشریف آوردید، شعرای شما، نویسندگان شما، گویندگان شما، این است که شعرا در اشعارشان قضایای این انقلاب را منعکس کنند؛ اگر توانستند در مجامع عمومی و اگر نتوانستند حتی در مجامع خصوصی هم محفوظ بماند برای نسل‌های آتی‌ای که فرزندان‌شان الآن بعضی‌شان از کوچولوهای که در ۲۲ بهمن متولد شده‌اند، و آنهایی که در طول تاریخ می‌آیند. باید مردم را، مردم جهان را، مستضعفان جهان را آگاه کنید، آگاه کنیم به اینکه چه مصایبی بر اینها وارد شده است و در تحت چه شرایطی زندگی می‌کنند و آنان که به آنها حکومت می‌کنند تحت چه شرایطی هستند و وضع زندگی مالیشان چطور است و آنهایی که از دولتهای اسلامی هستند، ذخایر خودشان را به کجا خرج می‌کنند» (صحیفه امام، متحد نمودن تمامی مستضعفان در مقابل سلطه گران، ج ۱۷، ص ۴۲۹).

۳- عدم تعهد در مقابل قدرتهای سلطه گر

مقید نبودن در مقابل قدرت‌های سلطه گر اصل دیگر در اصول سیاسی خارجی است که امام رحمه الله علیه می‌فرمایند: «باید در رأس امور این باشد که اینها کنار بروند و خودتان بنشینید، همان طور که ایران دستش را پیش هیچ کس دراز نمی‌کند و نکرده است در این چند سال و مستقل ایستاده است و زن و مردش ایستاده است در مقابل امریکا و در مقابل شوروی و در مقابل هر متعدی. اینها غیر متعهدند واقعاً، نه تعهد فرهنگی دارند، نه تعهد نظامی دارند، نه تعهدهای دیگری دارند اما اگر یک جایی باشد که بگویند که ما تعهد نظامی نداریم اما تعهد فرهنگی داشته باشند، تعهد فرهنگی بدتر از تعهد نظامی است، وابستگی است نه تعهد. آنها هم که می‌گویند تعهد و لا تعهد، اصلاً شما وابسته هستید و غلام حلقه به گوش اینها، بعضی از اینها هستند. اگر بخواهید که متعهد نباشید باید اساس را عوض بکنید نه تعهد از یک راه نظامی فقط. باید شما غیر متعهد و غیر وابسته باشید، در صنعت، در فرهنگ، در همه اموری که یک کشوری احتیاج به آن دارد؛ اگر این طور شد غیر متعهد می‌شوید و می‌توانید سرپای خودتان بایستید. و اگر این افراد وارد شما باشند نمی‌گذارند شما غیر متعهد بمانید و شما را وابسته می‌کنند و شما را بدتر از تعهد درست می‌کنند؛ برای اینکه، تعهد طرفینی است، این برای او تعهد می‌کند او برای این تعهد می‌کند. اما اینها می‌خواهند وابسته کنند و بی‌چون و چرا همان طور که خودشان وابسته هستند و برای آنها کار می‌کنند و همه دارایی کشور خودشان را با آن فقرایی که سرتاسر کشورشان هست به جیب ابرقدرتها می‌ریزند، اینها وقتی که وارد بشوند در بین شما همین کار را سر شما درمی‌آورند. من امیدوارم که غیر متعهدهای واقعی در فکر بیفتند و این اشخاص فاسد تفاله را بیرون بریزند تا بتوانند برای کشورهای خودشان و برای ملت‌های ضعیف یک کاری انجام بدهند (صحیفه امام، ج ۱۷، ص: ۳۶۱ و ۳۶۴ و ۳۶۵). اما یک کلمه هم راجع به مسائلی که

در این اوقات پیش آمده است عرض کنم. یکی از مسائل، این کنفرانس سران به اصطلاح غیر متعهداست. این کنفرانسی که سران اول در سابق تأسیس کردند افراد بسیار متعهدی به اسلام و به کشورهای خودشان بودند، و غیر متعهد نسبت به قدرتهای بزرگ. لکن امروز مخلوط شده است از یک جنس های مختلف، بسیاریشان آنها هستند که غیر متعهدند و بعضی از آنها، آنها هستند که اگر اینها غیر متعهد باشند ما متعهد نباید داشته باشیم. اگر بنا باشد که حسین اردنی (ملک حسین، پادشاه اردن هاشمی) و حسن (ملک حسن، پادشاه مغرب (مراکش)) و حسنی مبارک (حسنى مبارک، رئیس جمهوری مصر) و امثال اینها غیر متعهدند، همه غیر متعهدند، پس نباید بگویند که یک دسته متعهد، یک دسته غیر متعهد. و از کارهایی که باید این کنفرانس غیر متعهدین انجام بدهند که در رأس همه کارهاست و باید بعدها هم این مطلب را انجام بدهند، این است که اول متعهد و غیر متعهد را از هم جدا کنند. هر کس ادعا کرد که من غیر متعهدم، در بین خودشان راه ندهند. چه بسا افرادی که وابستگی آنها و غلام حلقه به گوش بودن آنها نسبت به شرق و نسبت به غرب از آن متعهدینی که هستند زیاده تر است، و اگر وارد اینها باشند و نفوذ در اینها بکنند راه را منحرف می کنند و دیگران را منحرف می کنند.

۴- دخالت نکردن در امور داخلی کشورها

به یقین هیچ کشوری نمی تواند بپذیرد که بیگانگان در امور داخلی کشورشان دخالت کنند. امام نیز بر این مطلب اشاره دارند: «ما با تمام ملت ها در صورتی که دخالت در امور داخلی ما نکند و برای ما احترام متقابل داشته باشند با احترام رفتار می کنیم (صحیفه نور، ج ۴، ص ۳۸) اسلام یک نظام اجتماعی و حکومتی است و می خواهد با همه ی عالم ارتباط داشته باشد. رسول الله هم در صدر اسلام به اطراف سفیر می فرستاد. آنهایی که با ما غرض ندارند ما با آنها روابط حسنه برقرار می کنیم. منتها نباید تحت سلطه خارجی قرار گرفت و آنها در امور کشور دخالت کنند (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۱۴).

۵- نفی و اجتناب از تعهدات سلطه آور

هر تعهدی مسئولیت آور است از جمله تعهدات منابع طبیعی و اقتصادی، تعهدات فرهنگی، تعهدات نظامی. اما اگر این تعهدات سبب تسلط کشور دیگر و سلطه جویی آنها شود هیچ کشوری آن را نمی پذیرد و آن را نفی می کند. کشور اسلامی از باب اینکه تابع اسلام است قراردادهای منعقد شده را محترم می شمارد ولی نه هر قراردادی که سبب سلطه دیگران شود: «روابط ما با تمام خارجی ها بر اساس اصل احترام متقابل خواهد بود. در این رابطه نه به ظلمی تسلیم می شویم و نه به کسی ظلم خواهیم کرد و در زمینه تمام قراردادهای بنابر اساس مصالح سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملت خودمان عمل خواهیم کرد (صحیفه نور، جلد ۲، ص ۲۵۹).

« ما هم يك قدم اولمان اين است كه اين وضعی كه الان دارد و وضعی است كه شاهش و حكومتش و وزیرش و وكيلش و همه اينها اين وضع را دارند كه تحميل بر اين مملكت هستند، وكيل را مردم تعيين نكرده اند، و كلای سنا را آنقدری كه بايد مردم تعيين كنند نكرده اند، وقتی مجلس مال مردم نشد وزرا غير قانونی هستند و وقتی وزراء غير قانونی هستند، تمام قراردادها غير قانونی هستند. همه قراردادهائی كه وزرای ايران با ممالك ديگر، چه با مملكت آمريكا و چه با ساير ممالك قرارداد کرده اند، همه قراردادشان بر خلاف قانون اساسی است برای اینکه قانون اساسی ما اساس حكومت را بر اين قرار داده است كه مجلس تصویب كند، مجلس رأی بدهد. پس اساس مجلس است، مجلس هم به حسب قانون اساسی با ملت است، اگر يك مجلسی را ملت تعيين نكرد، مجلس نیست، اگر مجلس نشد ديگر وزیری را كه آنها تعيين كنند، نخست وزیری را كه آنها تعيين كنند نخست وزیر نیست. اگر وزرا، وزرای قانونی نشدند دولت قانونی نیست و اگر دولت قانونی نشد، تمام قراردادهائی كه با ممالك ديگر بسته اند. هر قراردادی كه خواهد، قرارداد نفت بسته اند، باطل است، قرارداد - نمی دانم - خريد اسلحه، باطل است همه آنها خلاف قانون اساسی است برای اینکه اصلش خلاف قانون است. . . »

« شما از خواب هایی كه برای اين كشورها دیده اند اطلاع نداريد، اينجانب كراماً خطر دولت اسرائيل و عمال آن را به ملت گوشزد كردم كه بايد مقاومت منفی كنند و از معاملات با آنها احتراز جویند، اکنون راه را برای مصیبت بزرگتری باز کرده اند و ملت را به اسارت سرمایه داران می خواهند در آورند. بر رجال دینی و سیاسی و جوانان مدارس دینی و دانشگاه و بر همه طبقات لازم است كه قبل از اجرا شدن اين واقعه و نتایج مرگبار آن اعتراض كنند، به دنیا برسانند كه اين قراردادها مخالف رای ملت است. اينجانب اعلام می كنم هر قراردادی كه با سرمایه داران امريكا و ديگر مستعمرين بسته شود، مخالف خواست ملت و مخالف احكام اسلام است، و كلای مجلسين ايران چون منتخب ملت نیستند رای آنها قانونی نیست و مخالف قانون اساسی و خواست ملت است در اين قضایا بايد با نظارت مقامات بیطرف جهانی رفتارندم شود تا خواست ملت معلوم گردد. من قتل فجیع اين سيد بزرگوار و عالم فداكار را كه برای حفظ مصالح مسلمين و خدمت به اسلام جان خود را از دست داد، به ملت اسلام عموماً و خصوص به ملت ايران تعزيت دهم و از خداوند متعال رفع شر دستگاه جبار و عمال كثیف استعمار را مسئلت می نمایم. » (همان).

فصل سوم: عدالت سیاسی و نظامی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه

۱- نفی سلطه گری و ستم گری

يکی از مهم ترین اصل های حاکم بر سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی نفی سلطه گری و ستم گری است. اسلام، سلطه گری و ستم گری را نمی پذیرد (مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۱۴، شرایط اقلیمی و طبیعی، ص: ۳۰).

در این خصوص امام می فرمایند: «اسلام نیامده است که سلطه پیدا کند بر این مملکت و آن مملکت. اصلاً مطرح نیست پیش اسلام سلطه جویی. مطرح نیست پیش اسلام غلبه به یک قومی و زیر بار قرار دادن و به استعمار کشیدن آنها، هیچ مطرح نیست پیش اسلام».

در کشورهای پیشرفته و قدرتمند جهان امروز نیز استقلال سیاسی و مرزبندی های جغرافیایی مفهوم اولیه خود را از دست داده، به صورت دسته بندیهای منطقه ای درآمده است. این موضوع حاکی از آن است که اینگونه کشورها به خاطر مصالح جدیدی که برایشان مطرح شده است، اختلافات زبانی و سنتی و فرهنگی و نژادی سابق خود را ناچیز و غیر اصیل یافته اند و این اتحاد در زمینه های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نیز به نحو بارزتری شکل پیدا کرده است. غرب امروز به لحاظ فرهنگ و اقتصاد به صورت یکپارچه در برابر دنیای سوم قرار گرفته است. بنابراین، رنگ های ملی و تضادهای ناسیونالیستی را لااقل در حیطه منافع اقتصادی مشترک منطقه ای کنار گذاشته اند. در کشورهای دنیای سوم (کم رشد یا در حال رشد) نیز از یک طرف سر رشته اقتصادی و طبقه حاکمه اقتصادی در بند و تحت سلطه و فرمان قدرت های اقتصادی کشورهای بزرگ قرار دارد، و از طرف دیگر رهبری فرهنگی آنان نیز از طریق روشنفکران تحت تأثیر و دنباله روی فرهنگ مسلط غرب است (مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۲۶، فاجعه اندلس، ص: ۷۴).

تاریخ بشر نشان می دهد که هرگاه قدرت های حاکم می خواهند جامعه ای را تحت سلطه خود قرار دهند و آن را استثمار کنند، تلاش می کنند تا روح جامعه را فاسد کنند و برای این منظور تسهیلات شهوترانی را برای مردم زیاد می کنند و آنها را به شهوترانی ترغیب می کنند. نمونه عبرت انگیزی از این شیوه کثیف، فاجعه ای بود که در اسپانیای مسلمان- که یکی از سرچشمه های رنسانس به حساب می آمد و از پیشرفته ترین تمدنهای اروپا محسوب می شد- برای مسلمانان اتفاق افتاد.

مسیحیان برای خارج کردن اسپانیا از چنگ مسلمانان، از راه فاسد کردن روحیه و (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۶، ص: ۷۵) اخلاق جوانان مسلمان وارد عمل شدند. تا آنجا که توانستند وسائل لهو و لعب و شهوترانی را به سهولت در اختیار مسلمانان قرار دادند و در این کار تا آنجا پیش رفتند که حتی سرداران و مقامات دولتی را نیز فریفتند و آنان را آلوده ساختند و به این ترتیب توانستند عزم و اراده و نیرو و شجاعت و ایمان و پاکی روح مسلمین را از میان بردارند و آنها را به آدمهایی زبون و ضعیف و شهوتران و شرابخواره و زنباره مبدل کنند. و پر واضح است که غلبه و پیروزی بر چنین مردمی کار دشواری نیست. و این ترفند نه تنها برای مذاهب دیگر بلکه اسلام نیز در معرض سلطه گران بود. چنان چه امام قدس سره الشریف می فرمایند:

«آنها می فهمیدند که تا اسلام قدرت دارد در یک کشوری، نمی توانند آنها آن طور که می خواهند سلطه پیدا کنند. باید اسلام را و مظاهر اسلام را و احکام اسلام را اینها از بین ببرند تا موفق بشوند به آن مقاصدی که دارند. لهذا، مطالعه می کردند چه چیز برای اسلام بیشتر می تواند خدمت بکند، قدرت اسلام را بهتر

می تواند حفظ بکند، آن را بیشتر می گویند و کدام احکام اسلام بیشتر پیش مردم - مثلاً - رایج است و بیشتر علاقه به آن دارند، آن را بیشتر می خواستند از بین ببرند».

امام می فرماید: ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه آن خلاصه می شود دو کلمه لا تظلمون و لا تظلمون (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۶۷).

در جای دیگر ایشان می فرمایند: از اصول مهم است که مسلمانان تحت سلطه کفار نباشد خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار، سلطه بر مسلمانان قرار نداده است و نباید مسلمانان این سلطه کفار را قبول کنند (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۳۸).

امام می فرماید: ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه آن خلاصه می شود دو کلمه لا تظلمون و لا تظلمون (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۶۷).

در جای دیگر ایشان می فرمایند: از اصول مهم است که مسلمانان تحت سلطه کفار نباشد خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار، سلطه بر مسلمانان قرار نداده است و نباید مسلمانان این سلطه کفار را قبول کنند (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۳۸).

سَتَجِدُونَ آخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلًّا رَدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَيَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فَخَدُّوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَ أُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا؛ (سوره نساء (۴)، آیه ۹۱) گروهی دیگر را خواهید یافت که می خواهند [باظهار اسلام] از شما ایمنی یابند و از قوم خود [باظهار کفر] و هرگاه که راه فته گری و شرک بر آنها باز شود به کفر خود بازگردند پس اگر [از فتنه انگیزی و نفاق با شما] کنار نگرفتند و تسلیم شما نشدند و از آزار شما دست نکشیدند در این صورت آنها را هرجا یافتید گرفته و به قتل رسانید ما شما را بر جان و مال این گروه تسلطی کامل بخشیدیم.

خداوند مسلمانان را از افکار و حرکات آینده دشمن آگاه می کند پس مسلمانان باید انواع دشمنان خود را شناخته، با هر یک برخوردی متناسب داشته باشند و به اظهارات هر کس اطمینان نکنند زیرا عقریه ی روح منافقان به سوی کفر است و با مساعد دیدن زمینه، در آن فرو می روند (تفسیر نور، قرائتی، ۱۳۸۸ ه. ش).

بنابراین نفی سلطه و سلطه گری از اصول مهم در سیاست خارجی است که هیچ کشور و مذهبی نیز تسلط قدرت های دیگر را نمی پذیرد. حکوت اسلامی نیز از این اصل مستثنی نیست و در سرکوب منافقان توطئه گر و تصفیه جامعه، دستش باز است و ولایت دارد. «جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا»

۲- دفاع از حقوق مسلمانان

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دفاع از حقوق همه مسلمانان مسئولیتی است که در بخش سیاست خارجی برعهده جمهوری اسلامی است. زیرا همه مسلمانان یک امت اند: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ (سوره حجرات، آیه ی ۱۰)؛ بدورستیکه که مومنان با هم برادرند. و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف

است سیاست کلی خود را بر پایه اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. زیرا دفاع از حقوق مسلمین علاوه بر حفظ وحدت اسلامی در کشور مهمترین شرط مسلمانی و مسلمان بودن را نیز به جا آورده است.

النبی صل الله علیه و آله فیما رواه الإمام الصادق علیه السلام: من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم؛ (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۴) کسی که بامداد برخیزد بی آنکه به فکر سر و سامان دادن به کارهای مسلمانان باشد، مسلمان نیست. و کسی که فریاد «مسلمانان به دادم برسید!» را از کسی بشنود و اجابت نکند مسلمان نیست.

در همین راستا امام خمینی رحمه الله علیه نیز می فرماید: « شما مسلمان ها نباید از این مردم بی دفاع، دفاع بکنید؟ شما اسلام شناسان نباید از دفاع از حق مسلمین بکنید؟ دیوار دور اسلام می کشید؟ ما در اقصی بلاد دنیا اگر یک کسی بهمان بگوید که (یا للمسلمین)، ما مؤظفیم که به درد آنها برسیم، هر قدری توانیم. ما نمی گوئیم که ما می توانیم همه جا چه بکنیم، ما آن قدری که توانیم دفاع از حق مسلمین می کنیم. مسلمین معنایش نیست ایرانی، مسلمین. کسی که یک مسلمی فریاد زد که به داد ما برسید و نرود سراغش، فکر او نباشد، این مسلم نیست، این انحراف است، ملتفت نیستید شماها، این انحراف است از اسلام، این بی توجهی است به مقاصد اسلام. اسلام برای ایران نیامده، اسلام برای عالم آمده. بعثت، برای همه است و همه باید تابع باشند.

بنابراین دفاع و حمایت از حقوق مسلمین از روشن ترین مصادیق مسئولیت دینی و ملی و اصول سیاسی است که علاوه بر نشان دادن قدرت ملت از بزرگترین عبادات شمرده شده است. به طور مثال در این زمینه امام از کشور فلسطین نام برده اند که گرامیداشت روز قدس را می توان از مصادیق حمایت از مسلمانان از دیدگاه امام بیان کرد. در این راستا امام می فرمایند:

«من روز قدس را روز اسلام و روز رسول اکرم می دانم، و روزی است که باید ما تمام قوای خودمان را مجهز کنیم؛ و مسلمین از آن انزوایی که آنها را کشانده بودند خارج شوند، و با تمام قدرت و قوت در مقابل اجانب بایستند و ما در مقابل اجانب با تمام قوا ایستاده ایم، و نخواهیم اجازه داد کسان دیگر در مملکت ما دخالت کنند، و مسلمین نباید اجازه بدهند که کسان دیگر در ممالکشان دخالت کنند».

امام سجاد علیه السلام دفاع و حمایت از مظلوم از حقوق ولایت برشمرده اند: حق سرپرست سه شعبه است که از همه واجب تر حق کسی است که به وسیله قدرتش امور تو را اداره می کند (قدرتش را در راه دفع دشمن و متجاوز، و اداره امور مردم، و دفاع از مظلوم و بی پناه بکار می برد).

۳- اتحاد و برادری

یکی از اصول حاکم بر سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، برقراری اتحاد و برادری در بین مسلمانان است. اتحاد و همدلی در بین مسلمانان، رمز پیروزی جهان اسلام است. تاریخ کشورهای موفق

نشان داده که با اتحاد و همدل بودن توانسته اند جلوی نفوذ دشمن را بگیرند. یکی از دغدغه های امام نیز جلوگیری از تفرقه و ایجاد وحدت و برادری بوده که در بیاناتشان مشهود است:

«باید ملت‌های دیگر، ملت فلسطین، وحدت کلمه پیدا بکنند و اتکال به خدای تبارک و تعالی. این رمز پیروزی در هر جا پیدا بشود، پیروز خواهند شد. باید ملت عزیز «فلسطین» ما با وحدت کلمه و اتکال به خدای تبارک و تعالی، توجه به روحانیت، توجه به معنویت، توجه به خدای تبارک و تعالی کنند تا پیروز شوند. من از خدای تبارک و تعالی خواهانم که ملت‌های مستضعف همه پیروز شوند.

۴- حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران

یکی از اصول سیاسی دیگر که یک دولت قدرتمند بایستی به آن اهتمام ویژه داشته باشد، حمایت از مستضعفین و دفاع از آن‌ها در برابر مستکبران جهان است:

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (سوره نساء (۴)، آیه ی ۷۵)؛

و چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران] تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید، همان افراد [ستم‌دیده‌ای] که می‌گویند: «خدایا ما را از این شهر [مکه] که اهلش ستم‌گردند بیرون ببر و برای ما از طرف خود سرپرستی قرار بده و از برای ما از طرف خود یار و یابری تعیین فرما».

امام رحمه الله علیه در این خصوص می‌فرماید: من امیدوارم که این بسیج عمومی اسلامی، الگو برای تمام مستضعفین جهان و ملت‌های مسلمان عالم باشد و قرن پانزدهم قرن شکستن بت‌های بزرگ و جایگزینی اسلام و توحید به جای شرک و زندقه و عدل و داد به جای ستمگری و بیدادگری و قرن انسان‌های متعهد به جای آدمخواران بی‌فرهنگ باشد.

ای مستضعفان جهان! بپا خیزید و خود را از چنگال ستمگران جنایتکار نجات دهید. و ای مسلمانان غیرتمند اقطار عالم! از خواب غفلت برخیزید و اسلام و کشورهای اسلامی را از دست استعمارگران و وابستگان به آنان رهائی بخشید.

ای ملت شریف ایران! به نهضت اسلامی خود ادامه دهید و به اجانب (هر که باشد) اجازه ندهید که در سرنوشت شما دخالت کند و به غارتگری‌ها برای همیشه خاتمه دهید و با قاطعیت از امریکا و هر دولت دیگر که به حمایت خیانتکار به اسلام و ملت (محمدرضا پهلوی) برخاسته است، بخواهید که این جانی و اموال مسروقه ملت را به ما برگردانند و تا پیروزی از پای ننشینیم (صحیفه نور، جلد ۱۱، ص ۲۷۶). طبق بیانات امام راحل نه تنها کشورهای قدرتمند در اصول سیاسی خود بایستی از مستضعفان حمایت کنند بلکه خود کشورهای ضعیف تلاش و مداومت در رهایی از چنگ دشمنان غاصب داشته باشند. چنانچه پیامبران در طول تاریخ از جانب خدا مبعوث می‌شدند تا مردم به استضعاف کشیده را بیدار سازند تا خود را از قید و بند مستکبران آزاد نمایند.

۵- متحد نمودن تمامی مستضعفان در مقابل سلطه گران

از اینکه به اینجا آمده‌اید تا درد دل‌های خود را به یکدیگر برسانیم، تشکر می‌کنم. این طوری که شما می‌گویید کشور شما (کشور نیکاراگوئه) با ما شباهت زیادی دارد، منتها کشور ما گرفتاریهایش زیادتر است. ما مبتلا به دسیسه‌های همه قدرتهای جهانی و جرم ما و کشور و ملت ما این است که برای استقلال و آزادی قیام کرده‌ایم، و می‌خواهیم زیر سلطه هیچ یک از قدرتها نباشیم؛ و این مطلب از دیدگاه ابرقدرتها و قدرتها گناه بزرگ و نابخشودنی است. مستضعفین جهان، چه آنها که زیر سلطه امریکا و چه آنها که زیر سلطه سایر قدرتمندان هستند اگر بیدار نشوند و دستشان را به هم ندهند و قیام نکنند، سلطه‌های شیطانی رفع نخواهد شد. و همه باید کوشش کنیم که وحدت بین مستضعفان در هر مسلک و مذهبی که باشند، تحقق پیدا کند که اگر خدای ناخواسته، سستی پیدا شود، این دو قطب مستکبر شرق و غرب مانند سرطان همه را به هلاکت خواهند رساند. ما عازم هستیم که تمام سلطه‌ها را نابود سازیم، و شما هم کوشش کنید که ملت‌ها را با حق همراه کنید. و آنچه مهم است این است که شما در مذهب خود و ما در مذهب خودمان اخلاص را حفظ و به خدای تبارک و تعالی اعتماد داشته باشیم تا عنایت او شامل حال ما باشد و ما را از تحت این سلطه‌ها خارج سازد.

۶- حفظ تمامیت ارضی

از دیگر اصولی که امام بر آن تاکید داشتند حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور است: «امید است به همان گونه که در پیام خود آرزو کرده‌اید احترام به حق حاکمیت ملت‌ها و تمامیت ارضی کشورها و عدم مداخله در امور دیگران پیوسته مورد توجه شما و سایر رهبران جهان باشد و روابط میان کشورها روابط دوستانه به معنای واقعی آن بوده و برقرار گردد.

امیدواریم که صلح جهانی بر پایه استقلال ملت‌ها و عدم مداخله در امور یکدیگر و مراعات اصل حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه بنا گردد و هر گونه تعرضی به کشورهای دنیای سوم و اسلامی و بخصوص در این منطقه بر خلاف موازین است که باید پایه و اساس درستی ما بین ملت‌ها باشد (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۵۳).

۷- پذیرفتن پناهندگی سیاسیون تحت فشار حکام جور

دین اسلام دین عدالت و محبت است و در مقابل پناهندگان طریق تسامح را پیش می‌گیرد. امام نیز بر این مطلب اشاره فرموده اند: «گرچه می‌دانم مکتبی بودن و تعهد به اسلام راستین اقتضا می‌کند تا رزمندگان اسلام با اسرای جنگی و پناهندگان با عطف و فتوت، به گونه‌ای اسلامی رفتار کنند که بحمد الله می‌کنند، هر چند صدام و صدامیان بر خلاف اینان رفتارشان غیر انسانی و سبانه باشد، لکن تذکر و تأکید سودمند است. باید جوانان ما و کسانی که عهده‌دار نگهداری اسیران و پناهندگان هستند طعم شیرین

رحمت و بزرگواری اسلام را به آنان بچشانند و با آنان آن گونه رفتار کنند که مولای آنها و پیشوای عظیم الشأن شان با بدترین خلق خدا و جنایتکارترین انسانها - ابن ملجم^۲ لعنه الله علیه رفتار فرمود، تا اسیران که ضربه روحی خورده اند احساس آرامش و جبران در حکومت اسلامی نمایند، و پس از آزادی در (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۵۴) کسانی که از ارتش بازی خورده عراق به ایران پناهنده شوند مورد عفو و محبت و اغماض هستند و با آنان چون برادران خودمان رفتار می شود؛ و کسی حق ندارد به غیر از رفتار انسانی - اسلامی با آنان رفتار کند. و به تمامی سربازان و درجه داران و افسران و صاحب منصبان عراقی و غیر عراقی اعلام می شود که در صورت تسلیم به لشکر اسلام، مورد عفو واقع می شوند؛ و پس از جنگ، در صورتی که مایل باشند، در ایران می مانند؛ و در صورتی که تقاضا کنند، آنان را به کشور خودشان با احترام برمی گردانند. این جانب به عموم ارتش عراق نصیحت می کنم که گول حزب کافر بعث را نخورند و با برادران اسلامی خود جنگ نکنند؛ و متوجه باشند تا صدام کافر آنان را در خدمت امریکا به برادرکشی اغوا نکند. برادران عراقی ام تا وقت نگذشته و عذاب الهی نازل نشده است به دامان اسلام پناهنده شوید که اسلام دین عفو و رحمت و اغماض است (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵۴۲).

نتیجه گیری

مبنای سیاست هر کشور رسیدن به اهداف و منافع ملی خود است. از آن جا که معنای سیاست تمام ابعاد فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... را در بر می گیرد در پی ریزی اصول آن بایستی دقت نظر شود. در جمهوری اسلامی این اصول برگرفته از بیانات حضرت امام و آرمان های انقلاب نشأت گرفته است و مهمترین رکن آن بر اساس نفی ابر قدرت ها و دفاع از حقوق مسلمانان نهاده شده است.

^۲ - ابن ملجم مرادی، مردی از خوارج که حضرت علی (ع) را در محراب عبادت و در مسجد کوفه به شهادت رسانید.

فهرست منابع و مآخذ

*قرآن کریم

- آرام، احمد، الحیاة، حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، مترجم آرام، احمد، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه من لا یحضره الفقیه، غفاری، علی اکبر، غفاری، محمد جواد و بلاغی، صدر، محقق، مصحح: غفاری، علی اکبر، نشر صدوق، تهران، ۱۳۶۷ ش
- روح الله، موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۳۹.
- علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام، الصحیفه السجادیة، ترجمه آیتی، عبدالمحمد، نشر سروش، تهران، ۱۳۷۵ ش
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، ناشر مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران، ۱۳۸۸ ه. ش
- کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ترجمه مصطفوی، انتشارات کتاب فروشی علمیه اسلامی، تهران، ۱۳۶۹ ش
- صحیفه نور
- فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۴، ص ۵۶۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب الاسلامی، تهران، ۱۳۷۱ ه. ش.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری
- بیانات امام خمینی رحمه الله علیه، ۱۳۵۲/۸/۱۶